

# اخلاق و توسعه

## (یک بررسی تطبیقی و تاریخی)

مرتضی قره‌باغیان\*

مرتضی اسدی\*\*

### مقدمه

ارتباطات عصر جدید، بر تقابلها می‌افزاید یا به همگرایی فرهنگی بیشتر می‌انجامد؟ و بالاخره آیا با توجه به تنوع فرهنگی و منافع ملی، امکان «اتحاد در تنوع» موجود است؟

علم اقتصاد در بدو پیدایش و تفکیک از علوم سیاسی و فلسفه توسط کلاسیکها، بر این اساس بنا نهاد شد که اقتصاد واحدی وجود دارد و روش قیاس و آزمون نظریه‌ها از کل به جزء، اساس متدولوژیک آنرا تشکیل می‌دهد. نظریه اقتصاد واحد، اولین بار توسط اقتصاددان ناسیونالیست آلمانی «فریدریک لیست» مورد چالش قرار گرفت و روش نوینی به نام استقراء تاریخی پایه‌گذاری شد. بعدها اقتصاددانان توسعه نیز فرض اقتصاد واحد را کنار گذاشته ولی فرضیه «اتحاد در تنوع» مورد جدل قرار گرفت.

اقتصاد بودایی که در بخشهای وسیعی از شرق و جنوب آسیا براساس تفکرات کنفوسیوس شکل گرفت، بر خودکفایی، اولویت اشتغال و زندگی با «معیشت شرافتمندانه» استوار بود. این فرهنگ اقتصادی با فروض توسعه سرمایه‌داری در تعارض بود. اقتصاد اسلامی با قبول منافع متقابل و اتحاد در تنوع، با نظریه اقتصاد واحد در تعارض بوده است. فروض بالا در گذر زمان و تحت شرایط ژئوپلیتیک پدید آمده، متحول گشت و بسیاری از اقتصادهای بودایی که سمبل درون‌گرایی و شینتوئیزم بر زندگی اقتصادی ملل آسیا، همیشه عامل مهمی در تعارضات بین این فرهنگ با غرب بوده و موجب جنگهای تجاری و تحریم‌ها شده است.

علم توسعه در دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان یک علم جداگانه شکل گرفت. در طی ۵ دهه اخیر شاهد تحولات شگرفی در این علم بوده‌ایم. توسعه که در ابتدا یک موضوع تکنیکی قلمداد می‌شد، با کسب تجارب، از محدوده تنگ «تشکیل سرمایه» بدر آمده و با علوم دیگر انسانی ادغام شده است. بحثهای اقتصاد دانان در مورد ظهور و افول توسعه، ناشی از بحرانی عمیق در این علم می‌باشد که بخش مهمی از آن ناشی از ارزشی شدن توسعه و تفاوتیهای ساختاری کشورهای مختلف در حال توسعه است.

سؤال اساسی‌ای که ذهن اقتصاددانان توسعه را به خود مشغول کرده است، عبارتست از: آیا اقتصاد واحدی در جهان وجود دارد که بدون توجه به ارزش‌های موجود در جوامع متنوع جهان سوم، بتواند الگوی واحدی برای همه جوامع ارائه نماید؟ اغلب اقتصاددانان توسعه به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند، لیکن در تأثیر عوامل غیر اقتصادی نظیر اخلاق توسعه، اتفاق نظر وجود ندارد.

دومین پرسش اینکه با توجه به تنوع فرهنگهای جوامع و روش‌های زندگی، آیا بایستی برگرایش فرهنگها به سوی «اخلاق پروتستان» که براساس فردگرایی، آزمون طلبی سکولاریزم و تقدس مالکیت خصوصی استوار می‌باشد، تأکید داشت؟ بسیاری از جوامع جهان سومی با اصلاحات لوتر و کالوین و رنسانس فرهنگی متعاقب آن بیگانه‌اند. اقتصاد قبیله‌ای آفریقا و کاستی در شبه جزیره هند، اقتصاد بودایی در شرق آسیا، رواج اسکولاستیک در آمریکای لاتین و قوانین اسلامی در خاور نزدیک و میانه، بیانگر برخی تقابل‌های فرهنگی با اخلاق پروتستان می‌باشد. سؤالات دیگر اینکه، آیا فروپاشی امپراطوریهای بزرگ و گسترش

\* - دکتر مرتضی قره‌باغیان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس و معاون

وزیر اقتصاد و دارایی.

\*\* - دکتر مرتضی اسدی، استادیار دانشکده اقتصاد وزارت اقتصاد و دارایی.

رد	قبول		منافع متقابل
اقتصاد توسعه اقتصاد اسلامی اقتصاد شینتوئیزم	اقتصاد ارتدکس (کلاسیک و نئوکلاسیک)	قبول	
نئومارکسیستها (نظریه وابستگی) ناسیونالیسم اقتصادی (لیست) اقتصاد بودایی	مارکسیستهای ارتدکس	رد	

اقتباس از: آلبرت هیرشمن، پیشگامان توسعه

پروتستانیزم می‌پردازد. عوامل توسعه و موانع توسعه در جوامع مختلف یکسان نیستند. در صورتی که هدف نهایی توسعه اعتلای وضعیت مادی بشر باشد، مکاتب فکری الزام الگوی یکسانی را دنبال نمی‌کنند. معیارهای رفاه که توسط سازمانهای بین‌المللی چون سازمان ملل دنبال می‌گردد، دارای برداشتها و مضمونهای متفاوت می‌باشد. مطلوبیت نهایی از مصرف یک کالا و خدمت، با توجه به کمیابی و ارزش‌های جامعه متفاوت است. به بیانی دیگر، مطلوبیت رفاه، نه تنها تابعی از مقدار مصرف بلکه ارزش‌گذاری مصرف نیز هست. تنوع فرهنگی جوامع در حال توسعه و تفاوت‌های تاریخی آن با رشد کلاسیک در غرب، موجب تفکیک علم توسعه از دیگر علوم اقتصادی گشت.

### توسعه و الگوی اقتصاد واحد

اغلب اقتصاددانان توسعه فرضیه «اقتصاد واحد» و برخی دیدگاهها «منافع متقابل» در روابط بین‌الملل را مورد تردید جدی قرار می‌دهند. نفوذ عوامل محیطی بر فرهنگ دینی و باستانی و تنوع در ساختارهای اقتصادی - سیاسی، بر پیچیدگی‌های تدوین یک استراتژی واحد توسعه برای کشورهای در حال توسعه افزوده است.

دو سؤال اساسی که ذهن اقتصاددانان توسعه را به خود مشغول داشته عبارت است از اینکه آیا اقتصاد واحدی در جهان وجود دارد؟ آیا منافع متقابل برای شرکت در تقسیم کار بین الملل می‌توان تصویر کرد؟ مکاتب اقتصادی پاسخهای متفاوتی به این سؤالات داده‌اند. کلاسیکها با ارائه روش قیاس در علم اقتصاد، سعی در اثبات جهان شمول بودن اقتصاد اثباتی داشته‌اند. مارکسیستهای ارتدکس نیز روش قیاس را دنبال می‌کردند و جهان شمولی آنرا در قالب نظم سوسیالیزم جهانی تصویر می‌کردند. شرایط جنگ سرد و تخاصم جهان

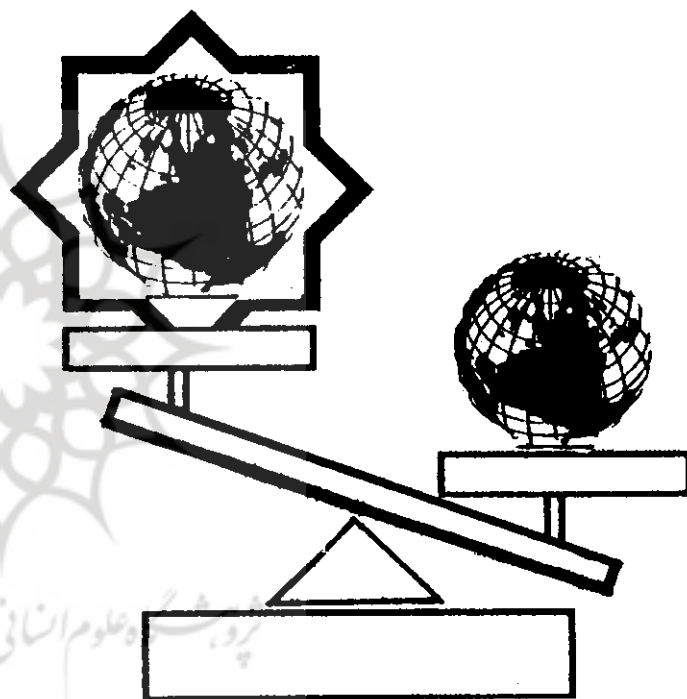
در اغلب کشورهای جهان سوم، مذهب بخش مهمی از فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد. ورود فرهنگهای وارداتی در دوران استعمار و امروزه با گسترش ارتباطات، ارتباط بین فرهنگها و اثرات متقابل و اثر فرهنگهای باستانی بر اخلاق جامعه موجب می‌گردد که باورهای دینی مردم و فرهنگ حاکم، با تعالیم دینی هماهنگی نداشته باشند. در اقتصادهای بسته بودایی به دلیل قدمت بودائیسیم و انسجام تفکرات و به دلیل نفوذ تفکرات مصلحان اجتماعی چون کنفوسیوس، باورهای دینی با تعالیم دینی همخوانی بیشتری دارد، در حالی که مللی که قادر به نهادینه کردن تعالیم دینی نبوده‌اند، در معرض تعارضات فرهنگی بیشتری می‌باشند.

اخلاق پروتستان در رشد سرمایه‌داری غرب تأثیر فراوان داشته است. دنیوی بودن، تقدیرزدایی و سکولاریزم اساس این اندیشه بوده است. تفکرات کلاسیک توسعه نیز از اخلاق پروتستان تأثیر پذیرفتند، در حالی که ارزشها در شرق با اطاعت پذیری، جمع‌گرایی، قناعت و خودکفایی عجین شده‌اند. آیا اخلاق شرعی با اصول ثابت توسعه در تعارض است؟ و یا ارائه الگوهای خاصی از توسعه اقتصادی را ضروری می‌سازد؟ این ارزشها در گذر زمان چگونه تحول می‌یابند؟ خلاء فرهنگی‌ای که در جوامع جهان سومی ایجاد گردید، بحرانی اجتماعی را پدید آورد که توسعه اقتصادی را مورد تهدید جدی قرار داده است و لزوم یک مطالعه عمیق در زمینه اخلاق توسعه را با توجه به ویژگیهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران یادآور می‌گردد.

هدف از ارائه این مقاله تبیین اهداف و مفاهیم توسعه با توجه به مکاتب فکری عمده شرقی و مقایسه آن با ارزشهایی است که به بیان ماکس وبر، روح سرمایه‌داری را در غرب تشکیل می‌داد. به علاوه، این مقاله به مطالعه اصلاحات و تحولات جوامع اسلامی و بودایی و مقایسه آن با اصلاحات

سرمایه‌داری با اردوگاه متخاصم، منافع متقابل را مورد تهدید قرار می‌دهد. از این رو بر خلاف اقتصاددانان کلاسیک، مارکسیست‌های ارتدکس ایده منافع متقابل را در چارچوب تنگ «اردوگاه» ایدئولوژیکی می‌دیدند.

به غیر از اقتصاددانان ارتدکس که از هر دو اصل اقتصاد واحد و منافع متقابل پیروی می‌کنند، نظریه پردازان وابستگی، ناسیونالیست‌های اقتصادی و اقتصاددانان بودایی بر ویژگی‌های منحصر به فرد جوامع خاص جهان سومی و ویژگی‌های فرهنگی خود تأکید دارند.



ناموزون، شباهت به محدودیتهای ساختاری در اقتصاد و توسعه و ویژگیهای فرهنگی خاور دور دارد. در حالی که نظریات کلاسیک بر اولویت رشد نسبت به توزیع و اشتغال تأکید داشته‌اند<sup>(۱)</sup>، اولویت اقتصاد اسلامی، شیتوئیزم و بودایی بر محوریت اشتغال و عدالت توزیعی می‌باشد. در حالی که در اقتصاد ارتدکس غرب، شاخص رفاه براساس مصرف مادی محاسبه می‌گردد، در اقتصاد بودایی و اقتصاد اسلام بر حداکثر رساندن مطلوبیت رفاه با حداقل مصرف (قناعت، ریاضت‌گرایی دنیوی) تأکید می‌شود.

تفاوت‌های اساسی بین ناسیونالیزم اقتصادی (مکتب فریدریک لیست و کارن)<sup>(۲)</sup> با اقتصاد اسلامی، در عدم جهان شمولی اولی و جهان شمولی مکتب اسلام است. ادبیات توسعه اقتصادی، متکی بر فرضیاتی است که از اخلاقیات پروتستان نشأت می‌گیرد، در حالی که جوامع آسیایی (جنوب شرقی آسیا) با وجود عدم بکارگیری آن اخلاقیات، به سطوح بالایی از توسعه دست یافتند. اقتصادهای کاتولیک در آمریکای لاتین و جنوب آفریقا نیز برتری خود را نسبت به جوامع پروتستانی جهان سوم نشان داده‌اند. هر چند عوامل غیر فرهنگی را در روند توسعه این کشورها نمی‌توان نادیده گرفت، لیکن هیچ شواهد عینی دال بر رشد اخلاق پروتستان در جهان سوم و توسعه اقتصادی نمی‌توان یافت (رجوع کنید به جدول ضمیمه: ۱)

رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک جانبه و استاتیک نیست. ارتباط پیچیده بین این دو مقوله از آنجا ناشی می‌شود که اخلاقیات، توسعه پذیرند. اخلاقیات توسعه پذیر، می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم پذیری، دنیوی بودن، مشارکت پذیری، ریسک پذیری را دارا باشند.

اقتصاددانان برجسته‌ای چون هاگن بر اصالت عامل اخلاقی صحنه می‌گذارند و تحولات اقتصادی را معلول تحول فرهنگی و منبعث از آن می‌دانند. وی می‌نویسد: که «تحول اساسی در فرهنگ، به خودی خود باعث می‌شود که اقتصاد از حالت رکود خارج گردد و به رشد و توسعه رو نهد»<sup>(۳)</sup>. روستو<sup>(۴)</sup> جنبه‌های اخلاقی را که مربوط به توسعه اقتصادی می‌شود، شامل تمایل به پیش‌بردن علم، تمایل به کار و دانش مکتسبه در محیط مادی زندگی، تمایل به داشتن فرزند و کوشش برای پیشرفت مادی می‌داند. دریک طرح فرضی با توجه به مراحل رشد روستو، ما سعی بر آن داریم که اخلاقیات را در مراحل پنجگانه توسعه مورد ارزیابی قرار دهیم (رجوع کنید به جدول ۲ و ۳).

اقتصاد بودایی (میانمار، چین قبل از انقلاب فرهنگی) بر خود کفایی تکیه دارد در حالی که شیتوئیزم که ترکیبی از آئین‌های کنفوسیون و بودا می‌باشد، اصل منافع متقابل را پذیرفته و تمایل به ایجاد یک قطب مستقل، خارج از محدوده تنگ ایدئولوژیکی دارد.

اقتصاد اسلامی و توسعه نیز در یک دسته‌بندی با اقتصاد شیتوئیزم قرار می‌گیرند. نقطه مشترک آنها رد اقتصاد واحد و شرکت مؤثر در روابط بین الملل می‌باشد. قراردادن حوزه قلمرو اسلام در مسیر تجارت شرق و غرب و جاده ابریشم، به همراه برخی محدودیتهای شرع مقدس در امور ربا و رشد

جدول شماره «۲» فرضیات مراحل رشد و فرهنگ علمی

فرهنگ نوآوری و تحقیق	فرهنگ کار و بهره‌وری	فرهنگ پس انداز و سرمایه‌گذاری	فرهنگ مصرف و اثرات چشم و هم چشمی	تکنیک یا شیوه تولید	جهان چهارم
فائق نوآوری و روحیه جستجوگر در بزرگسالان	کار به مثابه عادت بر مبنای استهای موجود برای حفظ بقا، بهره‌وری بالای سرمایه و بهره‌وری نازل کار	فائق دوران‌اندیشی و ریسک پذیری، جامعه و دولت به دلیل درآمد کم و ریسکی بودن تولید سنتی فائق فرهنگ دور اندیشی	فناخت - جامعه خودمصرفی وابسته - مصرف غیر علمی نیاز فیزیولوژیک در ارجحیت	شیوه سنتی وابستگی تولید از طبیعت، روشهای زمین بر تولید	
فائق نوآوری، تقویت روحیه جستجوگری در میان کودکان	کار به مثابه یک عادت روزانه و یک وظیفه در مراکز شهری، بهره‌وری پایین کار	ریسک پذیری، دولت پس انداز‌کننده و سرمایه‌گذاری اصلی	مصرف به شیوه‌های سنتی با ظاهری مدرن، در شهرهای بزرگ نیاز فیزیولوژیک در اولویت	شیوه سنتی تولید - روشهای کار سبک تولید	
فرهنگ سازی دولتهای ارزشی و گسترش تحقیقات براساس آزمون و خطا	بحران از خودبیگانگی نیروی کار و بهره‌وری پایین به دلیل سرمایه‌گذاری‌های جدید و بیگانگی در محیط کاری	پس انداز متوسط ۲۰ درصد درآمدهای فوقانی و دولت، به دلیل فشار تورمی جهش پس انداز نرخ بهره منفی دارد	MPC در سطح بالا اثرات چشم و هم‌چشمی در شهرهای بزرگ	دوگانگی در شیوه تولید (مدرن و سنتی) (روش آزمون و خطا) اولویت نیازهای فیزیولوژیک و زیبا شناختی	جهان سوم گذار
مشارکت (سبج) همگانی برای تحقیق و بالای ۶۰ درصدی به دلیل تثبیت اقتصادی	مشارکت اجتماعی، تلاش عمومی برای بالا بردن بهره‌وری	صعوبت یافتن فرهنگ پس انداز، اثرات چشم و هم‌چشمی در دهک‌های متوسط درآمدهای MPC، بالا، ریسک پذیری در سرمایه‌گذاری	کاهش MPC در اقصاء فوقانی اولویت نیازهای شناختی و ایمنی	تکنیکهای مدرن تکنولوژی سب و نوآوری و نهادی شدن آن	شبه‌علمی علاقه به کار
نوآوری و تحقیق و کردار علمی به مثابه فرهنگ همگانی	علاقه به کار به مثابه عادت بر مبنای روشهای علمی و بهره‌وری بالای کار و سرمایه	کاهش MPC به دلیل مصرفی شدن و تأمین اجتماعی و بیمه پس انداز سرمایه‌گذاری	افزایش MPC، مصرف انبوه و تجملاتی براساس نیازهای ایمنی و شناختی و زیبا شناختی	شیوه‌های مدرن سرمایه‌سب و تکنولوژی‌سب	جهان اول و دوم علمی

مسئله رابطه آئین‌ها و مذاهب با سطح توسعه یافتگی و امتحان توسعه پایدار از مباحث بسیار پیچیده در توسعه است. این پیچیدگی به دلیل توصیفی بودن شاخص‌های کیفی و عدم دسترسی به آمارهای موثق فزونی می‌یابد. پژوهشگران جامعه‌شناسی چون ماکس وبر و تانی، ارتباط بین مذهب پروتستان و رشد اقتصادی در غرب را یادآور شدند<sup>(۵)</sup>. تعالیم اخلاق پروتستان در مورد اهمیت دادن به کار و پس انداز و امکان اقتناع نیازهای روحی به وسیله پاداشهای مادی، در کار و توسعه اقتصادی تأثیر داشته است.

ارتباط پویای اخلاق و توسعه مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان بوده است. بررسی‌های روانشناسی اجتماعی مذاهب، حاکی از تمایزات رفتاری پیروان مذهب واحد می‌باشد. یک بررسی از مسلمانان ساکن نواحی شمال آفریقا (مراکش، الجزایر، تونس) نشان می‌دهد که در این منطقه برانگیختگی، افسردگی و عدم تعادل بسیار شدید است، در حالی که مسلمانان نواحی جنوبی صحرای آفریقا افرادی مصمم، منصف و متعادلند. بودائیسیم که در مراحل نخستین خود پرهیز، زهدانزوا جویانه، خویشتن‌داری و پروراندن روح را وجه همت خود داشت، در دوران استقلال خواهی، با ناسیونالیسم مقابله‌گرا و امروزه در دوره شکوفایی «بیره‌های آسیا» با تمایلات برون‌گرایانه عجین شده است. تعالیم اخلاقی ضمن آنکه سمت حرکت، استراتژی رشد و شدت رشد را تعیین می‌کند، ولی تحولات اقتصادی جامعه الزام

اخلاقیات جامعه، را در محل نوین تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### عناصر فرهنگی مطلوب توسعه

در ادبیات توسعه غالب، از عناصر فرهنگی مساعدی نام برده می‌شود که به مثابه پیش نیاز توسعه می‌باشند. این عناصر عبارتند از:

- ۱- نگرش مطلوب و معقول نسبت به دنیا و مظاهر آن
- ۲- روش علمی برخورد با مسائل و آزمون طلبی
- ۳- آزادی خواهی
- ۴- اعتقاد به برابری انسانها و احترام به قانون و حقوق دیگران
- ۵- نظم پذیری
- ۶- عدم تخاصم فرهنگی
- ۷- اعتقاد به توسعه و باور به پویایی اجتماع
- ۸- گسترش فرهنگ کار و تولید<sup>(۱)</sup>

این عناصر فرهنگی به درجات و اشکال متفاوتی در مکاتب فکری و آئین‌های مذهبی متبلورند. در برخی متون، از عناصر فوق الذکر در ادبیات توسعه به مثابه اصول ثابت توسعه نام برده می‌شوند. از میان عناصر فرهنگی حاکم بر توسعه، دو عنصر اولیه و محوری عبارتند از عقلانیت و علم محوری در میان هیئت حاکمه، نخبگان و توده مردم، لیکن اجزاء این عناصر فرهنگی الزام در تمام مکاتب یکسان نبوده است. معیارهای مطلوب فرهنگی که از اخلاق پروتستان ناشی می‌شود با وجود مشترکات در اصول ثابت، در شکل و ابزار حصول با عناصر فرهنگی توسعه در شرق متفاوتند.

جدول شماره «۳» عناصر فرهنگی توسعه و آئین‌های مذهبی

عقلانیت*	تفکر علمی	دنیوی بودن	فرد گرایی	تقدیر گرایی	نظم کاری و عشق به کار و تولید	ریاضت‌گرایی دنیوی و قناعت	اطاعت پذیری	خودکنایی
-	-	-	-	+	-	+	+	+
+	+	+	+	-	+	-	-	-
+	+	+	+	-	+	-	-	-
+	+	+	-	-	+	+	+	+
+	+	+	-	-	+	+	+	+
+	+	+	-	-	+	+	+	+
-	-	-	-	+	-	+	+	-
-	-	+	+	+	-	-	-	-

\* Rationality - منظور عقلانیت اقتصادی است.

(اقتباس از: ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری / پرفسور حیدر نقوی، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام / شوماخر، کوچک زیباست، اقتصاد بودایی / جون رابینسون، فلسفه اقتصادی / جامعه و اقتصاد)



از جمله موارد افتراق را می‌توان فردگرایی لیبرالیسم، تقدیس مالکیت شخصی، برابری، خودکفایی، عقلانیت، مصرف‌گرایی و کیش شخصیت نام برد<sup>(۷)</sup>.

در جمع‌بندی عناصر فرهنگی و آئین‌های مذهبی و انطباق آن با باورهای مرسوم و عملکرد فعلی جامعه مدرن می‌توان گفت که در غرب بعد از رنسانس فرهنگی و اصلاح طلبانه لوتر و کالوین و جایگزینی پروتستانیسم به جای تفکر اسکولاستیک، عملکرد جوامع غربی منطبق بر اخلاق پروتستان بوده و باورهای اجتماعی و تعالیم مصلحان اجتماعی نهادینه شده‌اند و شیوه زندگی آن دیار را کاملاً دگرگون ساخته‌اند.

در اقتصاد بودایی و مناطق قلمرو آیین کنفوسیوس و شینتوئیسم، برخلاف غرب، جمع‌گرایی جایگزین فردگرایی، اطاعت پذیری از مافوق در مقابل لیبرالیسم، صرفه جویی در مقابل مصرف‌گرایی، تعهد نسبت به ساختار مالکیت اجتماعی، منافع فردی و خودکفایی را جایگزین جهان وطنی غرب کرده است<sup>(۸)</sup>. تفاوت‌های فرهنگی بین دو فرهنگ غرب و شرق آسیا، منشاء بسیاری از تخصصات در روابط اقتصادی و جنگ‌های تجاری بین این دو بوده است. از دیدگاه اقتصاد بودایی، تولید از منابع داخلی برای نیازهای داخلی معقول‌ترین راه زندگی اقتصادی است، در حالی که وابستگی به واردات از مناطق دور و در مقابل نیاز به تولید برای

صادرات به کشورهای ناشناخته و دور دست در مقیاسی نامحدود غیر قابل توجیه است<sup>(۹)</sup>. امروزه اقتصاد بودایی میان «مدرنیسم» رشد نوین و «رکود سنتی» ناشی از انزوای جویی راه میانه‌ای را در پیش گرفته است که ضمن توجه به ارزش‌های مذهبی و معنوی، معیشت شرافتمندانه و «توسعه پایدار» را هدف قرار داده است. جهانی شدن اقتصاد و نیاز به بازارهای مواد خام و مصرف، بر دیدگاه‌های این بخش از جهان تأثیر جدی گذاشته است. تلاش کشورهای جنوب شرق آسیا و ژاپن برای تحقق خودکفایی آرمانی، در آینده تناقضات بین ایده آله‌ها و عینیات جهان امروز را تشدید خواهد کرد.

آیین بودایی همچون اخلاق پروتستان و کالوینیسم، با رفاه مادی تعارضی ندارد. به رغم کنفوسیوس (قرون ۴ و ۵ قبل از میلاد) نه ذات ثروت بلکه تعلق به ثروت، نه برخورداری از چیزهای لذتبخش بلکه آرزوی رسیدن به آنها مانع آزادی است. در اقتصاد غرب، رفاه یک شاخص مهم اندازه‌گیری توسعه است و کسی که بیشتر مصرف کند، از رفاه بیشتر برخوردار است. در اقتصاد بودایی هدف آن است که مطلوبیت شخص با حداقل مصرف تأمین شود. بنابراین قناعت و ریاضت‌گرایی دنیوی جایگزین مصرف‌گرایی می‌گردد. مردمی که نیازهای خود را از طریق استفاده متعادل از منابع برمی‌آورند، مسلماً کمتر از مردمی که بر میزان عظیم مصرف تکیه دارند، گلوی یکدیگر را می‌فشارند. این تعالیم که

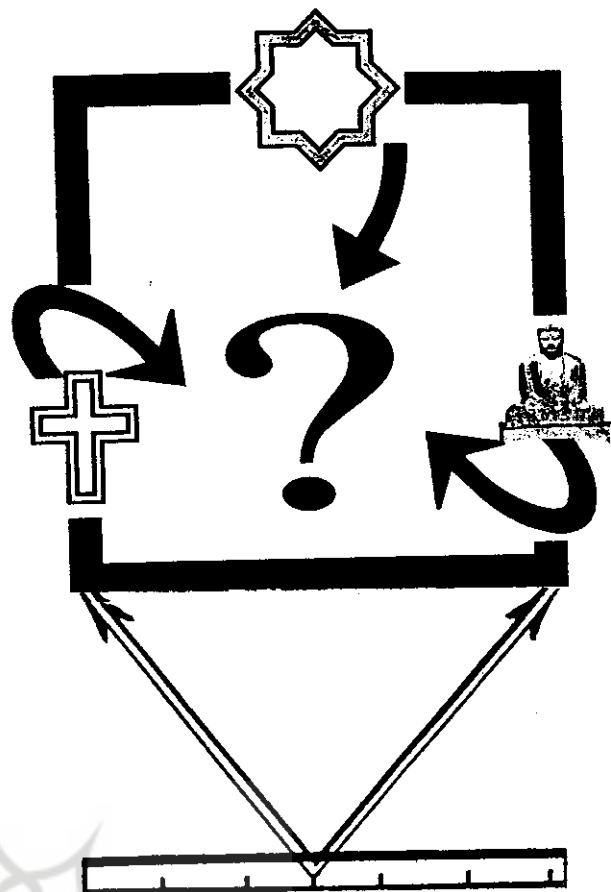
جدول شماره ۴۰ مقایسه شاخص‌های توسعه مناطق انتخابی

جهان	آمریکای جنوبی	جنوب شرقی آسیا SEA	اتحادیه اروپا EEC	کنفراانس اسلامی IC	آمریکای شمالی NAM	
۲۱۰۰۰	۶۳۴	۳۱۰	۵۳۵۰	۸۴۶	۶/۳۸۲	GNPb (۱۹۹۱) به میلیارد دلار
۵۶۰۰	۳۱۵	۴۷۵	۳۴۷	۱۰۴۰	۴۴۳	جمعیت (۱۹۹۳) میلیون نفر
۶۳۰۰	۳۵۸	۵۴۲	۳۵۴	۱۲۴۹	۴۸۴	جمعیت (۲۰۰۰) میلیون نفر
۱/۸	۱/۸	۱/۹	۰/۳	۲/۶	۱/۳	رشد جمعیت (درصد)
۴۲/۷	۷۴	۲۹	۸۱	۳۳/۷	۷۰	جمعیت شهرنشین
۳	۲/۴	۴/۲	۲	۲/۴	۳	رشد GNP به درصد
۳/۸۴۵	۲۰۸۰	۶۷۶	۱۵/۵۰۰	۸۳۶	۱۴/۶۵۱	PCI (به دلار)
۶۳	۶۴	۶۰	۷۴	۵۷	۷۰	عمر متوسط مردان
۵/۴	۴	۳/۲	۴/۸	۴/۶	۶/۶	سهم آموزش در GNP
۸۳۵	۷۶۵	۳/۶۵۷	۳۵۵	۲۹۳۶	۵۴۰	جمعیت پزشکی
۵/۴	۵/۵	۶/۳	۰/۷	۸/۹	۱/۹	نرخ مرگ و میر کودکان (به درصد)
۴/۱	۱/۱	۳/۸	۳/۸	۷/۸	۵/۸	سهم دفاع از GNP

تبادلات فرهنگی وسیع تری قرار داشتند و در گذر تاریخ فرهنگهای باستانی و سپس وارداتی با فرهنگ دینی درآمیختند، بسیاری از باورها و عملکردهای اجتماعی منطبق با تعالیم عالیه اسلام نبود. عواملی چون رواج تفکر صوفیانه از عهد صفویه، عوامل محیطی چون نفوذ استعماری و بالاخره اکتشاف منابع زیرزمینی و درآمدهای بادآورده حاصله در عصر حاضر بر فرهنگ باستان، زهدگرایی صوفیانه و القائات فرهنگی غرب می باشد. در حالی که اسلام بر تعقل، جمع گرایی، علم جویی، عشق به کار و تولید، صرفه جویی و نظم پذیری تأکید دارد، عملکرد اجتماعی بسیاری از جوامع اسلامی بیانگر عدم نهادینه شدن تعالیم عالیه است. به عقیده اقتصاددانان اسلامی، دلیل اصلی توسعه نیافتگی کشورهای مسلمان، وجود باورهای غلط و انحرافات در پراتیک اجتماعی می باشد<sup>(۱۰)</sup>. نزدیک به چهارهزار حدیث معتبر درباره ارزش علم فقط در کتاب میزان الحکمه جمع آوری شده است. بیش از ۱۵۰۰ بار در قرآن از علم و تفکر و اندیشه، سخن به میان آمده است. (هیچ عبادتی هم سنگر تفکر نیست). آزادی اندیشه در قرآن تأکید شده است. (لااکراه فی الدین) (فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه). در مورد اهمیت علم پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که در طلب دانش باشد، بهشت در طلب اوست.

نقش اسلام در تمدن بشری، گذشته از تحقیقات علوم پایه در قرون وسطی، زمینه لازم برای پیشرفتهای علمی و فنی آن دوره را فراهم آورد<sup>(۱۱)</sup>. جورج سارتن در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ، برای نشان دادن موقعیت علوم، ۷ عصر را به نام اندیشمندان اسلامی نامگذاری کرده است که شامل عصر جابر ابن حیان (۱۳۴ هـ تا ۱۸۴ هـ)، عصر خوارزمی (۱۸۵ هـ تا ۲۳۶ هـ)، عصر رازی (۲۳۸ هـ تا ۲۸۸ هـ)، عصر مغوری (۲۸۹ هـ تا ۳۳۹ هـ)، عصر ابوالوفا (۳۴۰ هـ تا ۳۹۱ هـ)، عصر ابوریحان بیرونی (۳۹۲ هـ تا ۴۴۲ هـ) و بالاخره عصر خیام (۴۴۳ هـ تا ۴۹۴ هـ) می باشد.

بعد از پیشرفتهای عظیم مسلمانان در قرون یک تا پنجم در علوم پایه و نجوم و رنسانس فرهنگی - ادبی تا قرن هشتم و نهم هجری، دوره انحطاط باورها آغاز گشت. نگرش بر تاییدن از دنیا، تحریف مذهب، شیوع رهبانیت اسکولاستیکی، مسیحیت قرون وسطی، آغاز جنگهای صلیبی و حمله مغولها و قتل عام و آتش زدن کتابخانه‌ها و دستاوردهای علمی جهان اسلام و شیوع تفکر زاهدانه صوفیگری، به انحطاط باورهای مردم و فاصله گرفتن از تعالیم توسعه خواه اسلام منجر شد.



در قرون ۴ و ۵ قبل از میلاد در جوامع کاملاً محصور بیان شد، در طی اعصار متمدنی نهادینه شد و بر باورها و عملکرد مردم متسولی گشت.

برخلاف بودائیسیم که در محیط بسته و منزوی از نظر جغرافیایی شکل گرفت، اسلام در مناطقی گسترش یافت که محل تردد اقوام و نژادهای مختلف بود.

- در منطقه اتحادیه اروپا و آمریکای شمالی اخلاق پروتستان حاکم است.

- در کشورهای کنفرانس اسلامی، ایدئولوژی غالب بر جامعه، اسلام است.

- در جنوب شرقی آسیا، اخلاق کنفوسیوسی و اقتصاد بودایی حاکم است.

- در آمریکای جنوبی، مذهب کاتولیک رایج می باشد.

### تعالیم اسلام و توسعه

تجارت و مراودات با نژادهای مختلف از صدر اسلام گسترش یافت. اخوت اسلامی و برابر انگاشتن نژادها از دیدگاه اسلام، زمینه مناسبی برای گسترش ارتباطات ایجاد کرد. در برخی از مناطق تحت قلمرو مسلمانان چون شمال آفریقا، ایران، بین النهرین و منطقه مدیترانه که در معرض

نام کشور	مسیحیت X1	کاتولیک X2	پروتستان X3	تعداد مذاهب عمده X4	GNP Percapitop	CNP Growth	Z در جدول GNP	L سهم صنعت	تعداد نژادها
ماداگاسکار	۵۰	۲۸	۲۲	۴	۲۰۷	۲۵۲۸	-۰/۳	۱۶	۷
کامرون	۵۳	۳۵	۱۸	۴	۱۱۵۹	۱۳۲۰۱	۶/۴	۲۴	۱۰
جامائیکا	۶۰	۵	۴۸	۳	۱۱۹۳	۲۹۶۹	-۰/۷	۴۰	۴
آفریقای مرکزی	۷۴	۲۵	۲۹	۴	۲۰۲	۱۲۰۰	۱/۸	۱۳	۹
گینه جدید	۹۱	۳۳	۵۸	۵	۹۲۶	۳۶۲۵	۲/۶	۲۶	۲
برزیل	۹۴	۸۸	۶	۵	۲۵۸۲	۴۰۱۰۹۰	۳/۴	۳۶	۵
آرژانتین	۹۵	۹۳	۲	۳	۲۰۹۳	۶۸۳۶۸	-۰/۳	۳۵	۲
شیلی	۹۵	۸۱	۱۴	۱	۱۷۸۰	۲۳۶۹۴	۱/۶	۲۸	۳
مکزیک	۹۶	۹۳	۳	۳	۱۹۱۶	۱۷۲۴۴۲	۰/۷	۳۵	۳
ونزوئلا	۹۷	۹۲	۵	۱	۲۳۵۰	۴۷۴۴۷	۰/۳	۲۹	۴

نام کشور	سهم شیعیان در جمعیت مسلمان Y سهم مسلمانان به جمعیت کل X	تعداد مذهب Z	GNP سرانه H	GNP L	رشد GNP M	سهم صنعت در GNP N	تعداد اقوام و نژادها O
هندوستان	(۱۰)۱۱	۵	۳۶۹	۳۱۹۸۶۴	۵/۵	۲۸	۳
مالزی	(۲)۵۳	۵	۲۲۲۶	۴۰۰۲۵	۴	۳۹	۳
سوریه	(۱۵)۹۰	۳	۹۶۷	۱۲۵۴۴	۰/۴	۱۹	۲
کویت	(۳۰)۸۵	۳	۱۵,۵۲۵	۳۴۲۱۶	۱/۷	۵۷	۳
پاکستان	(۲۰)۹۷	۴	۳۸۶	۴۵۳۵۰	۶/۳	۲۸	۵
عراق	(۶۲)۹۷	۳	۲,۲۹۸	۴۴۸۷۲	۵	۲۹	۵
ترکیه	(۱)۹۹	۱	۱,۴۱۷	۸۳,۰۲۰	۵/۴	۳۶	۳
الجزایر	(۱)۹۹	۱	۱,۱۶۶	۵۶۳۵۱	۳	۴۹	۳
عربستان	(۱)۹۹	۱	۴,۸۱۶	۸۶,۰۷۰	-۲/۲	۴۵	۳
ایران	(۹۱)۹۹	۳	۱,۵۹۹	۹۴۴۳۷	۰/۵	۲۶	۱۰

### • منابع و پی‌نوشت‌ها

1 - Simon Kunets, Modern Economic Growth.

۲ - سیمون کنتز، رشد نوین اقتصادی، ترجمه دکتر مرتضی قره‌باغیان، نشر نی.

3 - E.E.Hagenn, on the theory of social change: How Economic Growth Begins, Homewood, Dorsay Press, 1962.

4 - W.W. Rostow

۵ - ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری.

۶ - موسایی، میثم، اسلام و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه

اقتصادی، پایان‌نامه، تربیت مدرس، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۷ - سریع القلم - دکتر محمود، توسعه جهان سوم و نظام بین الملل، ۱۳۶۹، ص ۸۸ و ۸۹.

8 - J.C. Moven, Consumer Behavior, Macmillan, 1989, P.600.

۹ - ا.ف. شوماخر، کوچک زیباست، اقتصاد بودایی، ص ۴۵.

۱۰ - پروفیسور تقوی، حیدر، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام.

۱۱ - مجله فرهنگ و توسعه، سال ۱، شماره ۱، ص ۴۲.